

گروه فعلی و ویژگی‌های آن

اهداف کلی

- ۱- آشنایی بیشتر با گروه فعلی و ویژگی‌های آن.
- ۲- شناخت فعل از نظر زمان، شخص، گذر و وجه آن.

اهداف جزئی

- ۱- یادآوری ویژگی‌های فعل (شخص، زمان و گذر).
- ۲- توانایی تشخیص شش شخص فعل.
- ۳- توانایی تشخیص زمان‌های افعال.
- ۴- تشخیص انواع فعل مضارع و آینده در جمله.
- ۵- تشخیص این که علاوه بر انواع پنج گانه‌ی فعل ماضی، در زبان فارسی، ماضی مستمر نیز کاربرد دارد.
- ۶- تشخیص این که علاوه بر انواع دوگانه‌ی مضارع در زبان فارسی، مضارع مستمر نیز کاربرد دارد.
- ۷- توانایی تشخیص کاربردهای زمان‌های فعل.
- ۸- توانایی تشخیص فعل ناگذر، گذرا و دو وجهی در جمله.
- ۹- توانایی تعیین وجه افعال (وجه اخباری، وجه التزامی، وجه امری)
- ۱۰- توانایی ساختن انواع فعل از مصدرهای اصلی.

منابع

- توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی - دکتر محمد رضا باطنی - تهران - امیر کبیر-

چاپ چهارم ۱۳۷۰

- دستور زبان ۲- دکتر حسن انوری - دکتر حسن احمدی گیوی - پیام نور - ۱۳۷۵

– دستور زبان فارسی – دکتر خیام پور – کتاب فروشی تهران ۱۳۷۲
– دستور زبان فارسی – دکتر پرویز خانلری – نشر بنیاد فرهنگ ایران – چاپ چهارم –
تهران – ۱۳۵۳

– دستور زبان فارسی (۱) دکتر وحیدیان – غلامرضا عمرانی – تهران – نشر سمت – چاپ اول – ۷۹
– دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری – دکتر مهدی مشکوة الدینی – دانشگاه
فردوسی مشهد ۱۳۷۳

– مبانی علمی دستور زبان فارسی احمد شفایی – مؤسسه انتشارات نوین – چاپ اول تهران
۱۳۶۳

روش‌های تدریس پیشنهادی

- الگوی پیش‌سازمان دهنده
- الگوی دریافت مفهوم

نکات اساسی درس هشتم

- بیان تعاریف متنوع فعل از دیدگاه برخی دستور نویسان.
- بیان ویژگی‌های پنج‌گانه‌ی فعل (شخص – زمان – گذر – معلوم و مجهول – وجه).
- بررسی شناسه‌ها در فعل.
- بررسی سه زمان اصلی فعل.
- بررسی کاربرد زمان افعال.
- بررسی سومین ویژگی فعل: گذر.
- بررسی سه وجه اصلی فعل: اخباری – التزامی – امری.

فعل

- برای روشن شدن اهمیت فعل به ذکر تعاریفی چند از دیدگاه برخی دستور نویسان می‌پردازیم:
- فعل کلمه‌ای است که دلالت می‌کند بر کردن کاری یا روی دادن امری یا داشتن حالتی در زمان گذشته یا اکنون یا آینده.

«دکتر پرویز خانلری، دستور زبان فارسی»

○ فعل کلمه‌ای است که بر حرکت پروسه و یا حالت اشیا دلالت نماید.

«پروفسور احمد شفائی، مبانی علمی دستور زبان فارسی»

○ گروه فعلی، یک یا چند واحد نحوی کوچک‌تر را در بر می‌گیرد که عنصر اصلی آن را فعل تشکیل می‌دهد.

«دکتر مهدی مشکوة‌الدینی، دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری»

○ فعل در جمله، جایگاه اسناد را اشغال می‌کند؛ یعنی یا خود به نهاد اسناد داده می‌شود یا کلمه‌ای را به نهاد اسناد می‌دهد و به تنهایی یا به کمک وابسته‌هایی، اغلب به چهار مفهوم دلالت می‌کند:

- | | |
|---|---|
| ۱- مفهوم شخص | ۲- مفهوم افراد یا جمع |
| ۳- مفهوم زمان | ۴- یکی از مفهوم‌های زیر به صورت مثبت یا منفی: |
| الف) انجام دادن یا انجام گرفتن کاری (ب) واقع شدن کار بر کسی یا چیزی | |
| ج) پذیرفتن حالتی یا صفتی | د) اسناد |
| ه) وجود داشتن. | |

«دستور زبان فارسی، دکتر حسن انوری و دکتر حسن احمدی گیوی»

○ فعل کلمه‌ای است که همیشه مسند باشد و به عبارت دیگر دلالت کند بر وقوع یا لاوقوع کاری در زمان معینی از سه زمان گذشته و حال و آینده.

«دستور زبان فارسی، دکتر عبدالرّسول خیامپور»

○ گروه فعلی از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است و همواره در ساختمان واحد بالاتر یعنی بند، جایگاه اسناد را اشغال می‌کند.

«توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی - دکتر محمد رضا باطنی»

○ مهم‌ترین عضو گزاره، گروه فعلی است. گروه فعلی از یک بن فعل + شناسه تشکیل می‌شود که می‌تواند «ن» نشانه‌ی نفی و یا «می» استمرار بگیرد.

«دستور زبان فارسی، دکتر وحیدیان کامیار - عمرانی»

□ دستور نویسان برای فعل معمولاً ویژگی‌های زیر را برشمرده‌اند:

- ۱- شخص ۲- زمان ۳- گذر ۴- وجه ۵- معلوم و مجهول

۱- شخص

شخص در فعل همان شناسه‌ی فعل است که همیشه همراه آن می‌آید و شش عضو دارد.

شمار و شخص	فعل مضارع	شناسه	فعل ماضی	شناسه
اول شخص (گوینده)	ساز	مَ	ساخت	مَ
دوم شخص (شنونده)	ساز	ی	ساخت	ی
سوم شخص (دیگری)	ساز	دَ	ساخت	∅
اول شخص (گویندگان)	ساز	یم	ساخت	یم
دوم شخص (شنوندگان)	ساز	ید	ساخت	ید
سوم شخص (دیگران)	ساز	ند	ساخت	ند

می‌بینیم که شناسه‌های ماضی و مضارع جز در سوم شخص مفرد، یکسان است؛ شناسه‌ی سوم شخص مفرد مضارع (دَ) و سوم شخص مفرد ماضی به جز ماضی التزامی صفر است یعنی نشانه‌ی ظاهری ندارد؛ نداشتن شناسه را با علامت ∅ (= شناسه‌ی صفر) نشان می‌دهیم؛ پس نداشتن علامت در این مورد خودش علامت است.

۲- زمان

دومین ویژگی فعل، داشتن زمان است. در زبان فارسی سه زمان اصلی وجود دارد: گذشته، مضارع، آینده: گفت - می‌گوید - خواهد گفت.

زمان فعل‌ها در فارسی^۱

زمان	گروه مطلق	گروه نقلی	گروه التزامی
الف: گذشته	ساده – استمراری – بعید – مستمر	ساده‌ی نقلی – استمراری نقلی – بعید نقلی – مستمر نقلی	التزامی
ب: مضارع	اخباری – مستمر	–	التزامی
پ: آینده	آینده	–	–

پیش از بررسی زمان فعل‌ها، به این دو دسته فعل توجه کنید:

۱- می‌نویسند – بنویسد – بنویس

۲- نوشتند – نوشته بودیم – می‌نوشتیم – خواهید نوشت.

در فعل‌های دسته‌ی یک «نویس» مشترک است و در فعل‌های دسته‌ی دو، «نوشت». این قسمت از فعل را «بن» می‌نامند.

● **تکواژ بن:** بن، آن بخش از فعل است که در هر شش ساخت آن مشترک است. هر فعل دو بن دارد: مضارع – ماضی.

بن مضارع فعل‌های ساده یک تکواژ است: پوش، ساز، کار، نویس.

بن مضارع این چنین ساخته می‌شود: فعل امر مفرد با حذف «ب» مثال بخوان = خوان، بشنو = شنو.

بن ماضی این گونه ساخته می‌شود؛ مصدر فعل بدون علامت مصدری (ن) مثال: شنیدن = شنید.

کاربرد زمان افعال^۲

ساخت بعضی از افعال فقط یک کاربرد دارد مانند «آینده» که فقط به زمان آینده تعلق دارد اما ساخت برخی از فعل‌ها دارای کاربردهای گوناگون است؛ مثلاً ماضی ساده و نقلی پنج کاربرد دارد حتی بر حال و آینده نیز دلالت می‌کند گرچه نامش ماضی است؛ مثل دستگاهی که گرچه چرخ گوشت

۱- دستور زبان فارسی (۱) - دکتر تقی وحیدیان کامیار، غلامرضا عمرانی - سمت - تهران ۱۳۷۹.

۲- دستور زبان فارسی (۱) - وحیدیان - عمرانی - نشر سمت - ۷۹ - تهران.

نام دارد، پیاز و سیب زمینی را هم می‌تواند چرخ کند.

۱- کاربردهای گذشته‌ی ساده: ساختم، ساختی ...

(الف) برای بیان عملی که در گذشته انجام گرفته بدون توجه به دوری و نزدیکی زمان؛ مانند «چندی پیش دانشمند یافته‌های جدیدش را به صورت مقاله‌ای انتشار داد.»
(ب) برای احتمال به جای مضارع التزامی؛ مانند: «شاید کسی در کودکی از وطن دور شد (= شود) و در محیط دیگری بزرگ شد، (= شود) در آن صورت عاطفه و احساسات او نسبت به وطن ضعیف نخواهد بود؟»

(پ) آینده‌ی قریب الوقوع: مریم به سارا می‌گوید: «بیا» و او در حالی که هنوز کتاب می‌خواند در پاسخ می‌گوید: «آدم» یعنی: «خواهم آمد.»

۲- کاربردهای گذشته‌ی استمراری: می‌ساختم، می‌ساختی، ...

(الف) برای بیان عملی که در گذشته به صورت مستمر ادامه داشته است: چون فرمانروایان ایرانی، سربازان و سرداران را به یک چشم می‌دیدند و با همه برابر رفتار می‌کردند، سربازان هم در جنگ به جان می‌کوشیدند.

(ب) برای بیان تکرار عملی در گذشته: هر بار که به دیدن آن مرحوم می‌رفتیم او را غرق در مطالعه و مکاشفه می‌دیدیم. غالباً هنگام دیدن ما شعری از مولوی را زمزمه می‌کرد.
(ت) برای بیان آرزوی انجام عملی در آینده: کاش ما هم تابستان آینده به مسافرت می‌رفتیم (برویم).

۳- کاربردهای گذشته‌ی بعید: دیده بودم، دیده بودی، ...

برای بیان عملی که در گذشته پیش از عمل دیگری اتفاق افتاده باشد: وقتی گاندی در پنجم آوریل ۱۹۳۰ به ساحل دریا رسید عده‌ی همراهان او چند هزار تن شده بودند (همراه با ماضی ساده).

رفته بود که بیمارش را از بیمارستان مرخص کند. (همراه با مضارع التزامی). پدری را می‌شناختم که برای فرزندش ثروت سرشار اندوخته بود. (همراه ماضی استمراری).

در افریقای جنوبی گاندی به این نتیجه رسیده بود که باید در مقابل زور و ستم پایداری کرد.

۴- گذشته‌ی مستمر: داشتم می‌گفتم، داشتی می‌گفتی، ...

این فعل در فارسی سابقه‌ی زیادی ندارد و مربوط به سده‌ی اخیر است. علت به وجود آمدن آن این است که دلالت ماضی استمراری بر تداوم کار در گذشته ضعیف شده است بنابراین برای نشان دادن تداوم و استمرار عمل در گذشته از این فعل استفاده شد. ساخت‌های مستمر ابتدا در فارسی

گفتاری به وجود آمد و به تدریج وارد فارسی نوشتاری شد: اندک اندک داشتیم از توفان‌های حوادث رها می‌شدیم که آن بزرگ‌ترین توفان رسید.

۵- کاربرد گذشته‌ی نقلی: گفته‌ام، گفته‌ای،

الف) برای نقل وقایع گذشته که گوینده ناظر آن نبوده است: (از قرار معلوم / مثل این که / می‌گویند / گویا) علی‌غذایش را خورده است. بدیهی است در صورتی که گوینده خود حضور می‌داشت، جمله را این چنین بیان می‌کرد: علی‌غذایش را خورد. (← نقل قول). دولت باخیر شد که نفرات گردان دوم تفنگ داران عصیان کرده‌اند.

ب) برای بیان عملی که در گذشته انجام گرفته و اکنون نتیجه‌ی آن مورد نظر است: علی‌غذایش را خورده است. (در نتیجه اکنون سیر است / اکنون نمی‌تواند غذا بخورد / پس می‌تواند بخوابد). ایمان به اندیشه و مذهب تازه، روح اسفندیار را تسخیر کرده است. زبان، پیش از هر چیز— چنان که بارها گفته‌ایم — برای ایجاد ارتباط به کار می‌رود.

پ) در فعل‌های لحظه‌ای — تداومی بر مضارع اخباری دلالت دارد: علی خوابیده است.

۶- کاربردهای گذشته‌ی استمراری نقلی: می‌رفته‌ای، می‌رفته‌اند، ...

الف) برای بیان اعمالی که در گذشته به طور مداوم در جریان بوده و گوینده خود ناظر آن نبوده است بلکه آن را از روایت دیگران نقل می‌کند:

علی گفت: «امروز صبح باغچه را بیل می‌زدم.» اگر این جمله را به صورت نقل قول غیر مستقیم بیان کنیم (← نقل قول) به این شکل در می‌آید: علی گفت (که) امروز صبح باغچه را بیل می‌زده (است).

اکثر گشتاسپ صفتان برای خود قائل به رسالتی بوده‌اند و از اقامه‌ی توجیهی انسانی یا دینی برای اعمال خویش امتناع نمی‌ورزیده‌اند.

این زمان به علت نقل قول و عدم حضور گوینده برگزیده شده است. اگر گوینده خود شاهد می‌بود جمله به این شکل می‌آمد: قائل به رسالتی بودند و ... امتناع نمی‌ورزیدند. (← نقل قول) مارشال ادعا کرد که گروه‌های کوچک انقلابی را در نواحی روستایی تعلیم می‌داده و در تمرین‌ها به جای تفنگ از چماق استفاده می‌کرده است.

فعل این جمله نیز در صورت حضور نویسنده به شکل تعلیم می‌داد و می‌کرد می‌آمد. (← نقل قول)

اکثریت مظلومان چون از راه دیگر نمی‌توانسته‌اند عقده‌ی دل خود را خالی کنند و انتقام بگیرند، به خاطره‌ی شهید توسل می‌جسته‌اند.

۷- کاربردهای گذشته‌ی بعید نقلی: رفته بوده (است).

برای بیان عملی در گذشته‌ی دور بدون حضور گوینده در صحنه:
از قرار معلوم / گویا او را دیده بوده‌اند.

گویا در پایان کار به آن حد از نومی‌ی رسیده بوده‌اند که فکر می‌کرده‌اند دیگر کاری از آن‌ها ساخته نخواهد بود.

حتی یک بار هم خودشان نرفته بوده‌اند که اوضاع و احوال را از نزدیک ببینند.
ظاهراً از این زمان تنها دو صیغه‌ی سوم شخص مفرد و جمع کاربرد دارند.

۸- کاربردهای گذشته‌ی مستمر نقلی: داشته می‌رفته (است).

الف) برای بیان اعمالی که به طور مداوم در گذشته جریان داشته و گوینده شاهد آن نبوده است و نقل قول می‌کند: شورشیان در واقع داشته‌اند برای انجام مأموریت دیگری می‌رفته‌اند که با این خشونت مواجه شده‌اند. این یک نیز در صورت حضور گوینده چنین می‌آمد: ...
داشتند ... می‌رفتند.

ب) در فعل‌های لحظه‌ای، لحظه‌ی پیش از وقوع فعل را می‌رساند: داشته می‌افتاده که آن‌ها کمکش کرده‌اند.

۹- کاربردهای گذشته‌ی التزامی: رفته باشند ...

برای احتمال، آرزو، شرط، تحذیر و الزام در گذشته، همراه با عوامل التزامی ساز: اگر، شاید، باید، مبادا، کاش و هم معنی‌های آن‌ها

علی رفت ← کاش علی رفته باشد.

اگر/شاید/باید/مبادا/کاش/خداکند/امیداست/لازم است/آمده باشد.

* ای کاش جهان بر حرص و شره ما پیام گاندی را شنیده باشد.

* شاید اخیراً نمونه‌ی این مطالب را در روزنامه‌ها خوانده باشید.

* مثل این که این کتاب را به عربی نوشته و بعداً به فارسی ترجمه کرده باشند.

* در دوره‌ی صفویان، آثار بزرگ زبان فارسی، اگر فراموش نشده باشد، چندان مورد توجه هم نیست.

- ماضی التزامی از فعل داشتن گرچه از نظر مفهوم مترادف مضارع التزامی باشد از نظر ساخت جزء ماضی‌های التزامی به حساب می‌آید:

* اگر پول داشته باشم، آن کتاب را می‌خرم. به جای «بدارم»

* استفاده‌ی عرفا از وسایل ارتباط با مردم محدود بود و به این دلیل به فارسی نوشتن روی

آوردند. این توجه شاید بهره‌ای از حقیقت داشته باشد و گوشه‌ای از واقعیت را نشان بدهد.

۱۰- کاربردهای مضارع اخباری: می‌سازم، می‌سازی، ...

الف) برای بیان عملی که هم اکنون در حال انجام گرفتن است یا جنبه‌ی عادت و استمرار و تکرار دارد:

چه می‌کنی؟ کتاب می‌خوانم / نامه می‌نویسم.

هرگز آشوب و ناسازگاری در جهان - آن گونه که امروز می‌بینیم - وجود نداشته است.

در این مبحث، توجه خواننده را به دو نکته جلب می‌کنیم.

ب) برای بیان حقایق مسلم و بیان مسائل علمی:

شهادت همیشه از میان ستم و جهل سر بر می‌آورد.

بر اثر پیشرفت طب دردها آسان‌تر علاج می‌شوند.

پ) برای آینده: دو ماه بعد برای شرکت در مسابقه‌ی مقاله نویسی به اصفهان می‌روم.

۱۱- کاربردهای مضارع مستمر: دارد می‌آید، دارند می‌آیند، ...

برای بیان عملی که هم اکنون در حال انجام است:

از این روست که می‌بینیم گروهی از نسل نوجوان کنونی دارد می‌رود به طرف تعالی روحی

و ...

ما رفته رفته داریم از گذشته‌ی خود گسیخته می‌شویم.

این قابل انکار نیست که در طریقی که جوانان ما دارند پیش می‌روند چشم اندازه‌های امید بخش

فراوان به چشم می‌خورد.

۱۲- کاربردهای مضارع التزامی: شاید بروم، باید بیایند، ...

برای احتمال، آرزو و الزام در آینده همراه با عوامل التزامی ساز کاش، شاید، ممکن است،

خدا نکند ...

● ویژگی ساختی این زمان داشتن تکواژ التزامی ساز «ب» است: «شاید باران بیارد.»

اما این تکواژ در برخی از فعل‌های پرکاربرد مثل «داشتن و کردن» و هم‌چنین فعل‌های پیشوندی

و مرکب حذف می‌شود که در آن صورت می‌توان با افزودن آن بر سر فعل، التزامی بودن آن را ثابت

کرد.

● هنگام منفی ساختن «ب» می‌افتد: شاید بیاید ← شاید نیاید.

عبید رندانه اندرز می‌دهد که اگر مالی و منالی دارید انبار کنید نه ایشار، که هر که چنین کند به

افلاس گرفتار خواهد شد.

در روزگاری که گویی ایران در ابری از فراموشی پیچیده شده است اگر کار دیگری از دست ما برنیاید لااقل خوب است بکوشیم تا فکر او و غم او را در دل خود زنده نگاه داریم و اعتماد به زاینده‌گی دوران را در سینه نپزمانیم. ما از این حیث چون بیماران تریاک خورده‌ای هستیم که به هر سحر و افسونی است باید بیدار نگاهشان داشت؛ زیرا اگر چشم بر هم نهند، بیم آن است که دیگر آن را نگشایند.

۱۳- کاربرد آینده: خواهیم رفت، خواهی رفت، ...

اگر جو فرهنگی ما به همین صورت بماند نسل جوان کنونی از گذشته منقطع خواهد شد و به آینده نیز نخواهد پیوست؛ نه ایرانی خواهد ماند و نه فرنگی خواهد شد. خواهید گفت افراد بی بهره از حکمت چگونه دولت حکیمی منصوب خواهند کرد و یا به عبارت دیگر به قول افلاطون، حاکم حکیم را چه کسی به قدرت خواهد رسانید. به جای ساخت آینده، امروز معمولاً از مضارع اخباری استفاده می‌شود؛ لذا کاربرد آن کم شده است: سال آینده به مسافرت می‌رویم = سال آینده به مسافرت خواهیم رفت.

فعالیت کلاسی نمونه

کاربرد زمان فعل جمله‌های زیر را تعیین کنید.

شعر دوره‌ی مشروطه از حیث سادگی و خلوص، دوران طلوع شعر فارسی را به یاد می‌آورد؛ هر چند از نظر انسجام و طراوت، آن را با آثار دوره‌ی سامانی شباهتی نیست.

شعرهای این زمان بیشتر بدان گونه بوده است که آن را شعر مقتضیات نامیده‌اند. کنجکاو‌ی نسبت به مشرق زمین از اوایل قرن هجدهم آغاز شد؛ زیرا شناخت تمدن یا تاریخ ملت‌هایی که می‌بایست مورد استثمار قرار گیرند ضرورت داشت.

خوش‌بختانه موضوع در دایره‌ی سودجویی محض محدود نماند و در همین نهضت، دانشمندانی پدید آمدند که فارغ از ملاحظات سیاسی و اقتصادی و تنها به عشق دانستن و کشف، عمر خود را بر سر پژوهش در فرهنگ شرق گذاردند. بدین گونه باب تازه‌ای در شناخت شرق برای خود شرقی‌ها نیز پیدا شد؛ یعنی نگاه به شرق از دیدگاه غرب، که این خود هم حسن‌هایی داشته است و هم عیب‌هایی. از همین طریق بود که ترجمه‌ی بعضی از آثار ادبی شرق به مغرب زمین راه یافت.

«مد» و تقلید نیز در ارزیابی آثار عامل مؤثری می‌گردند. بعضی از نویسندگان و

شاعران (هنرمندان نیز) در دوره‌ای «باب» هستند و خواندن آن‌ها نشانه‌ی حسن ذوق و پیشرفتگی شناخته می‌شود و بعضی دیگر نه. در همین روزگار خود ما، ارزیابی ما نسبت به آثار گذشته‌مان تفاوت‌هایی کرده است. توجه‌ خاورشناسان فرنگی به بعضی از آثار فارسی موجب شده است که خود ما نیز به کشف مجدد آن‌ها دست یابیم. نمونه‌ی برجسته‌اش خیام است که از زمان ترجمه‌ی فیتز جرالده مقام تازه‌ای در زبان فارسی به عنوان شاعر به دست آورده، از آن گذشته انکار نباید کرد که موهل فرانسوی و نلدکه‌ی آلمانی و نیکلسن انگلیسی در جلب نظر ما به جانب فردوسی و مولوی تأثیر داشته‌اند. این بدان معنا نیست که ما کشف آثار ادبی خود را مدیون ایران‌شناسان بدانیم، بلکه بدان معناست که خود ما پس از تأیید و معرفی آن‌ها با اطمینان و بینایی بیشتر به آن‌ها نگاه کرده‌ایم. بخصوص در این بحران تجدد زدگی و غرب پرستی‌ای که از اوایل قرن بیستم گریبان ما را گرفته است، باید انصاف داد که اگر تشویق ایران‌شناسان اروپا نبود، ما در احترام گذاردن به آثار بزرگ گذشته‌ی خود دو دل می‌ماندیم و مثلاً نمایش‌نامه‌های «برشت» را آسان‌تر شاهکار می‌شناختیم تا مثنوی مولانا.

۳- گذر

گذر، سوّمین ویژگی فعل است. به جمله‌های زیر دقت کنید :

- ۱- علی می‌خواند.
- ۲- هر روز می‌بینم که سر کار می‌رود.
- ۳- رفاه‌طلبی تمدن‌های کهن را می‌کند.
- ۴- ما یکی از انسانی‌ترین فرهنگها را بخشیده‌ایم.

هر یک از جمله‌های بالا یک جزء کم دارد و بدون آن ناقص است. چنان که در همین مثال‌ها می‌بینیم کاهش و افزایش اجزای جمله تفتنی یا سلیقه‌ای نیست، بلکه فعل عامل تعیین کننده‌ی اجزای جمله است. در جمله‌ی اوّل و دوم جای مفعول، در جمله‌ی سوم جای مسند و در جمله‌ی چهارم جای متمم خالی است و هیچ یک از جمله‌های بالا بدون اجزای یاد شده کامل نمی‌شوند؛ زیرا فعل جمله‌ها به این اجزا، نیاز دارد.

ویژگی گذر در فعل، بررسی همین جنبه از فعل است که تحت دو عنوان گذرا و ناگذر می‌آید. به صورت کامل شده‌ی جمله‌های بالا توجه کنید :

- ۱- علی روزنامه می‌خواند.

۲- هر روز او را می بینم که سر کار می رود.

۳- رفاه طلبی، تمدن های کهن را نابود می کند.

۴- ما یکی از انسانی ترین فرهنگ ها را به جامعه ی بشری بخشیده ایم.

تمام فعل های جمله های بالا، از آن رو که علاوه بر نهاد به اجزای دیگری نیاز دارند گذرا نامیده می شوند؛ بنابراین:

ناگذر فعلی است که تنها به نهاد نیاز دارد. گذرا فعلی است که علاوه بر نهاد، مفعول، متمم یا مسند بخواهد؛ بنابراین، فعل گذرا سه گونه است:

گذرا به مفعول، گذرا به متمم، گذرا به مسند. دو وجهی فعلی است که بدون تغییر معنا ویژگی گذر در کاربردهای مختلف آن متفاوت باشد.

فعل های ناگذر

این فعل ها تنها به نهاد نیاز دارند: آمدن، ایستادن، بودن، پریدن، ترکیدن، جوشیدن، جنبیدن، چرخیدن، خوابیدن، خشکیدن، خزیدن، دویدن، رفتن، گریستن، گرفتن (در این معانی: دلش گرفت، قلبش گرفت، ماهیچه ی پایش گرفت، لوله ی آب گرفت، خورشید گرفت / ماه گرفت). لرزیدن، نشستن.

فعل های گذرا

۱- گذرا به مفعول: خوردن، آوردن، بردن، پوشیدن، کردن (در معنی انجام دادن: همه ی آن کارها را به تنهایی کردید؟)، کاشتن، بافتن، داشتن، ساختن، برگزیدن، گزیدن، کُزیدن، یافتن، نوشتن، مکیدن، زدن، کندن (حفر کردن)، آشامیدن، نوشیدن، انداختن، شمردن (محاسبه کردن)، گشتن (جست و جو)، گرفتن (تأثیر گذاشتن)، نگاه /نگه داشتن.

۲- گذرا به متمم: مصدر برخی از این فعل ها راهمراه با حرف اضافه ی ویژه ی آن ها می بینیم:

حرف اضافه	مصدر
به	اندیشیدن، بازگشتن، بالیدن، برآزیدن، برخوردارن، برداختن، بردن، بیوستن، تاختن، چسبیدن، خلیدن، رسیدن = [هنوز کوشش ما به نتیجه ای نرسیده است = منجر شدن / نائل شدن]، گراییدن، گرویدن، گریختن، ماند / مانستن / نازیدن، نگریستن.
با	جنگیدن، درآمیختن، ساختن (سازگار بودن) ستیزیدن، آمیختن (مخلوط شدن)
از	پرهیزیدن، ترسیدن، رنجیدن، گذشتن (صرف نظر کردن / عفو کردن)، رهیدن، گریختن، برگشتن، بازماندن.

۳- گذرا به مفعول و متمم:

بخشیدن (را، به)، شنیدن (را، از)، کاستن (را، از)، افزودن (را، به)، نشان دادن (را، به)، زدن (نصب کردن) (را، به)، کندن (را، از)، آویختن (را، از)

۴- گذرا به مسند:

بودن، شدن (گشتن، گردیدن)، قرار گرفتن (همین عوامل محک قضاوت قرار می گیرند).

فعل های دو وجهی

- این فعل ها بدون تغییر معنی به دو صورت گذرا به مفعول و ناگذر به کار می روند : شکستن، پختن، گداختن، گسستن، گسیختن، سوختن، برافروختن، پژمردن ؛ مثال :
 - ۱- گل پژمرد.
 - ۲- آفتاب، گل را پژمرد.
- فعل نگریستن گاه می تواند مفعول بگیرد و گاه متمم :
 - ۱) جنگل را بنگر، (۲) به جنگل بنگر.

**** تغییر معنی در فعل :** به این جمله ها توجه کنید : خورشید گرفت. گرفتیم که شما راست می گوید. رستم پس از ماجرای سیاوش انتقام سختی از تورانیان گرفت. علی کتاب را از دوستش گرفت. باران گرفت. خورشید گرفت.

فعل «گرفت» در هر یک از جمله های بالا معنای خاصی دارد که با دیگری متفاوت است ؛ مثلاً به معنای شروع شدن و کسوف و مسدود شدن، دو جزئی، و به معنای تأثیر کردن، سه جزئی و به معنای ستاندن، چهار جزئی است. این اشتراک در لفظ است و فعل «گریختن» در هر معنا، فعل دیگری به شمار می آید و نباید آن را همان فعل پیشین دانست. این مسأله منحصر به فعل نیست بلکه هر کلمه دو رویه دارد ؛ رویه ی لفظ و رویه ی معنا و هر یک از آن ها که تغییر کند، کلمه، دیگر می شود مثلاً در فارسی امروز، واژه ی شیربا وجود اشتراک صوری چون به سه معنای متفاوت (اسد، لبن و شیر آب) می آید، سه واژه است.

پس فعل هایی را دو وجهی می نامیم که در همه ی کارکردهایشان به یک معنا بیایند ؛ مثل «سوختن» که درگذرا و ناگذر یک معنا دارد اما اگر فعلی به دو یا چند معنا به کار رود در هر یک از معانی خود، فعل جدیدی است ؛ بنابراین در شمار فعل های دو یا چند وجهی نمی گنجد.

۴- وجه

پنجمین ویژگی فعل وجه آن است. تلقی گوینده یا نویسنده از جمله مسلم و نامسلم بودن یا امری بودن و نبودن فعل را وجه گویند. در زبان فارسی امروز سه وجه اصلی اخباری، التزامی، امری وجود دارد:

● وجه اخباری

۱- اگر گوینده به وقوع فعل یقین داشته باشد یا سخنش را قطعی مطرح سازد یا به تعبیری، بی طرف باشد آن فعل از وجه اخباری است. همه‌ی ساخت‌های افعال، جز ماضی التزامی و مضارع التزامی و دو ساخت امر، از وجه اخباری‌اند.

۲- هرگاه فعل گذشته از فعل‌های کمکی «باشم، باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند» خالی باشد از وجه اخباری است.

۳- وجه اخباری در مضارع بانکواژ وجهی (می) همراه است.

● **وجه التزامی:** فعل در صورتی به وجه التزامی به کار می‌رود که وقوع آن به صورت الزام، تردید، آرزو، توصیه، شرط، دعا یا میل مطرح شود: کاش بیاید، شاید نیاید.

ساختمان فعل ماضی التزامی چنین است: صفت مفعولی فعل + باشم، باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند. به شرط آن که صفت مفعولی آن، کاربرد صفتی نداشته باشد.

جمله‌ای که در وجه التزامی باشد با یکی از عوامل التزامی ساز «باید، شاید، کاش، اگر، مبادا» و برخی از فعل‌های دیگر مثل خواستن و توانستن همراه است. هم‌چنین بعد از فعل‌هایی که معنی یقین در آنها نباشد: رفتم که او را ببینم.

نشانه‌های وجه التزامی در ماضی، یکی از فعل‌های معین «باشم، باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند» پس از صفت مفعولی فعل اصلی و در مضارع «ب» پیش از فعل است. این تکواژ در فعل‌های مرکب معمولاً و در فعل‌های ساده به ندرت حذف می‌شود: اگر نتیجه را اعلام کنند، اگر کتاب داری،

در برابر هشت ساخت ماضی اخباری تنها یک ماضی التزامی وجود دارد. به عبارت دیگر، ماضی استمراری و ماضی بعید ساخت التزامی خاصی ندارد و بعد از عوامل التزامی هم، همان ساخت اخباری به کار می‌رود. به این ترتیب:

ماضی ساده: سعید آمد. کاش سعید آمده باشد.

ماضی نقلی: سعید آمده است. کاش سعید آمده باشد.

ماضی استمراری: سعید می‌رفت. کاش سعید می‌رفت.

ماضی بعید : سعید رفته بود. کاش سعید رفته بود.

ماضی مستمر : سعید داشت می‌رفت.

در برابر دو مضارع غیر التزامی تنها یک مضارع التزامی وجود دارد :

مضارع اخباری : سعید می‌رود کاش سعید برود.

مضارع مستمر : سعید دارد می‌رود. شاید سعید دارد می‌رود.

فعل آینده التزامی ندارد و در صورت لزوم از مضارع التزامی استفاده می‌شود :

آینده : سعید خواهد رفت. کاش سعید برود.

– فعل التزامی گاه بدون همراهی با عوامل التزامی ساز نیز می‌آید که بیشتر جنبه‌ی توصیه، دعا یا آرزو دارد : نامه بنویسی، غذا هم بخوریم، این دو نفر هم با ما بیایند، خدا خیرتان بدهد.

صورت پرسشی برخی از این ساخت‌ها بر کسب اجازه دلالت می‌کند : علی برود؟ یعنی : آیا اجازه می‌دهید که علی برود؟

● وجه امری : فعلی که از وجه التزامی و اخباری نباشد از وجه امری است. وجه امری دو ساخت بیشتر ندارد :

دوم شخص مفرد ، دوم شخص جمع

بروید Ø بروید

امر مفرد دارای شناسه‌ی Ø و امر جمع شناسه‌ی «ید» دارد که با دوم شخص جمع وجه التزامی مشترک است. اما پیش از وجه التزامی همیشه عوامل التزامی ساز می‌آید : بروید : امر دوم شخص جمع.

اگر / کاش / باید بروید : التزامی دوم شخص جمع.

فعل امر، پرسشی نمی‌شود. نشانه‌ی وجه امری تکواژ وجهی (ب) پیش از فعل است.

اگر فعل امر منفی شود آن را «نهی» می‌نامند. منفی شدن آن در فارسی امروز با «ن» که به جای «ب» می‌آید، صورت می‌گیرد : بروید ← نروید. تکواژ «م» برای منفی ساختن فعل امر مخصوص زبان ادبی است : بروید ← مروید.

خلاصه‌ی درس هشتم

- مهم‌ترین عضو گزاره، گروه فعلی است که معمولاً با شناسه همراه است.
- فعل پنج ویژگی دارد : شخص – زمان – گذر – وجه – معلوم و مجهول – هر فعل شش شخص دارد.

- فعل سه زمان اصلی دارد: گذشته – مضارع – آینده.
 - افعال در زمان‌های گوناگون کاربرد خاصی دارد.
 - فعل ممکن است ناگذر یا گذرا باشد. بعضی از افعال دو وجهی هستند.
- تلقی گوینده یا نویسنده از جمله یعنی مسلم و نامسلم بودن یا امری بودن و نبودن فعل را وجه گویند.
- در زبان فارسی امروز سه وجه اصلی اخباری، التزامی و امری وجود دارد.

خلاصه‌ی بیاموزیم

به کار بردن با و برای به جای «به وسیله‌ی» و «به منظور» مناسب‌تر است: زیرا جمله کوتاه‌تر می‌شود و پیام زودتر به خواننده یا شنونده منتقل می‌شود مثال:

او به وسیله‌ی مطالعه، خودش را برای امتحان آماده کرد.

او با مطالعه، خودش را برای امتحان آماده کرد.

❁ پاسخ خودآزمایی‌های درس هشتم

۱- به سر می‌بُرد: فعل پیشوندی – زمان ماضی استمراری (برای بیان کاری که در گذشته پیوسته ادامه داشت).

می‌آمد: – می‌خواند – می‌گفتند – هر سه فعل ماضی استمراری (برای بیان کاری که در گذشته، پیوسته ادامه داشت).

گفت – دید: ماضی ساده (برای بیان کاری که در گذشته به طور کامل انجام گرفته است).
 پیدا خواهیم کرد: آینده (برای بیان کاری که در آینده انجام خواهد گرفت).
 خواهیم بست: آینده – شده است: فعل اسنادی ماضی نقلی (برای بیان کاری که در گذشته انجام گرفته، اینک نتیجه‌ی آن مدنظر است)

○ تمامی فعل‌ها در متن بالا در وجه اخباری به کار رفته است.

۲- خط و نوشتار خاستگاه فرهنگی و اجتماعی دارد و انسان برای یادگیری آن باید زحمت بکشد و در مدرسه و کلاس و نزد معلم آن را یاد بگیرد. خط و نوشتار پدیده‌ای تازه است و به همین دلیل نمی‌تواند بخش اصلی گفتار به شمار رود. از آن جا که نوشتار نمود دیداری زبان است در این جا نیز مثل گفتار هر اشتباهی که رخ دهد مربوط به نوشتار است نه به زبان. از سوی دیگر انسان برای آن که گفتار را تثبیت کند دست به ابداع و اختراع خط زده است با توجه به این که همیشه در طول

زمان بین شکل گفتاری زبان و شکل نوشتاری آن فاصله ایجاد می‌شود افراد ناگزیرند که نوشتار و خط را در مدرسه و نزد معلم یاد بگیرند.

توضیح بیشتر: زبان پدیده‌ای بسیار قدیمی است ولی خط چیزی است تازه که صرفاً برای نمایاندن زبان به وجود آمده است. با وجود این ما اغلب خط را مهم‌تر از زبان می‌دانیم، این امر دلایلی دارد که می‌توان برخی از آن‌ها را چنین بر شمرد:

الف) نوشته صورتی ثابت و چشم‌گیر دارد و در حالی که گفتار گذراست و (بدون استفاده از وسایل مکانیکی) پس از چند ثانیه ناپدید می‌شود.

ب) نوشته سنجیده‌تر از گفتار است؛ در هنگام نوشتن، امکان تفکر، سنجش و تجدید نظر وجود دارد، در حالی که در هنگام گفتن هیچ یک از این امکانات وجود ندارد. در نتیجه نوشته محکم‌تر، زیباتر و درست‌تر از گفتار جلوه می‌کند.

ج) آثار ادبی و میراث فرهنگی جوامعی که خط دارند از طریق نوشته، در دسترس مردم قرار می‌گیرد و اهمیت فرهنگی آن آثار به طور ناآگاه به ارزش خط و نوشته می‌افزاید.

۳- از دوستم نامه‌ای آمد.

چرا غایب شده است؟

با تاکسی به خانه رفتم.

چرا به مدرسه نیامدی؟

* خودآزمایی‌های نمونه

۱- مهم‌ترین عضو گزاره است که معمولاً با شناسه همراه است.

۲- هر فعلی، پنج اساسی دارد.

۳- شناسه در فعل ماضی ساده‌ی سوّم شخص مفرد است.

۴- زمان فعل عبارت «او به تهران رفته بود» است.

۵- فعل در هر یک از زمان‌های سه گانه از فعل ساخته می‌شود.

۶- از مصدر بدون ن ساخته می‌شود.

۷- از ترکیب بن ماضی با ه یا ه ساخته می‌شود.

۸- «دیده باشم» فعل است.

۹- فعل برای کاری که در گذشته پیش از کار دیگر اتفاق افتاده است، به کار

می‌رود.

- ۱۰- یکی از کاربردهای بیان حقایق علمی و مطالب کلی است.
- ۱۱- فعل «شنید» یک فعل است.
- ۱۲- فعل برای بیان کاری که هم اکنون در حال جریان است به کار می‌رود.
- ۱۳- بهتر است در نوشتن به جای «به وسیله‌ی» از استفاده شود.
- ۱۴- اگر جمله کوتاه‌تر باشد زودتر به خواننده یا شنونده منتقل می‌شود.
- ۱۵- وقتی وقوع فعل نامسلّم باشد، می‌گوییم وجه فعل است
- ۱۶- وجه آن است که گوینده جمله را به گونه‌ای طرح سازد که وقوع فعل قطعی
و مسلّم باشد.
- ۱۷- فعل جمله‌ی «او از این سخن رنجیده خاطر شد» وجه دارد.
- ۱۸- در وجه وقوع فعل همراه با آرزو یا احتمال یا الزام است.
- ۱۹- از فعل (می‌روم) شش شخص ماضی التزامی را بسازید.
- ۲۰- بن ماضی، بن مضارع و صفت مفعولی فعل‌های زیر را بنویسید. می‌پذیرفتند - بیفتادیم.
- ۲۱- نقش اجزای گزاره را در جمله‌ی زیر مشخص کنید و آن‌ها را در نمودار قرار دهید :
- غوک با فریاد گفت که از شومی مصاحبِ نا هم جنس بدین مبتلا شده است.

طرح نوشته — مواد لازم نوشته

اهداف کلی

- ۱- آشنایی با طرح نوشته و اهمیت و ضرورت آن.
- ۲- آشنایی با مواد و مصالح نوشته.

اهداف جزئی

- ۱- دانش آموز باید اهمیت نوشتن را بیان کند.
- ۲- طرز تهیه ی طرح هر نوشته را بیان کند.
- ۳- طرح مناسبی را برای یک نوشته ی دلخواه آماده کند.
- ۴- مواد و ابزارهای لازم برای نوشته را معرفی کند.
- ۵- دانش آموز بتواند در تهیه ی طرح و تنظیم نوشته بر اساس آن، مهارت داشته باشد.

منابع

- از فن نگارش تا هنر نویسندگی، دکتر حسن احمدی گیوی — وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی — تهران ۱۳۷۴
- کتاب کار نگارش و انشاء (۲ و ۱)، دکتر حسن ذوالفقاری — اساطیر — چاپ اول — تهران ۱۳۷۵
- نگارش و ویرایش — احمد سمیعی (گیلانی) — سمت — تهران ۷۹

روش های تدریس پیشنهادی

- روش واحد کار
- الگوی همیاری

نکات اساسی درس نهم

- بیان ماهیت «نوشتن» و اهمیت آن.
- بیان ضرورت و لزوم «طرح» در هر نوشته.
- توضیح مراحل تهیه‌ی طرح.
- بررسی تقسیم بندی و انواع طرح.
- بررسی مواد لازم هر نوشته.

□ برای گسترش مضمون و مفهوم این درس ابتدا به شرح و بسط ماهیت «نوشته» می‌پردازیم، سپس «طرح و مواد لازم نوشته» را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

● نوشتن: عبارتست از «نمایش دادن کلام به وسیله‌ی حروف و ترکیبات گوناگون آن» که با استفاده از نشانه‌های نگارش روح و روان خاصی پیدا می‌کند.

انسان از نیروی عاطفه‌ی خود برای بیان مقصود استفاده می‌کند و زبان، ابزار ادای آن مقصود است. ما به وسیله‌ی زبان و نوشتن، هدف‌ها و مفاهیم ذهنی خود را به دیگران می‌فهمانیم و پیغام‌های خود را با کلماتی که در گنجینه‌ی زبان ملی خود داریم، به آن‌ها منتقل می‌سازیم. لیکن این الفاظ و کلمات با همه‌ی وسعت ترکیبی خود چه در تلفظ و چه در نگارش، برای بعضی از حالات درونی و مفاهیم ذهنی ناتوان و نارسا هستند و برای جبران این نارسایی و ناتوانی ناگزیریم در مرحله‌ی تلفظ، از کشش آهنگ، لحن گفتار، طنین صدا و اشارات چشم و پیشانی خود استفاده کنیم و در مرحله‌ی نگارش، نشانه‌ها و اشارات قراردادی جهانی را جایگزین نارسایی و ناتوانی الفاظ و کلمات سازیم و به کمک آن‌ها حالت درونی و مفاهیم ذهنی و نکاتی را که به صورت نوشته و کلمات نمی‌توان ادا کرد، به خواننده برسانیم. روان‌شناسان می‌گویند: نوشته‌ی هر شخص بازتاب اندیشه‌ها و تمایلات درونی و برونی و پرتوی از شخصیت وی است.

در بعضی از زبان‌ها، زبان گفتار با زبان نوشتار چندان فرقی ندارد. مردم همان‌گونه می‌نویسند که سخن می‌گویند اما در برخی از زبان‌ها گفتار با زبان نوشته فرق می‌کند. هر چه زبان ادبیات ملّتی پربرتر و قدیم‌تر باشد فرق میان زبان گفتار و نوشتار آن زبان، بیشتر است.

زبان فارسی از جمله زبان‌هایی است که شکل گفتاری آن با شکل نوشتاری‌اش تفاوت دارد. زبان گفتاری در هر شهر و بلکه در هر روستا متفاوت است و حال آن‌که زبان نوشتاری در همه جا یکسان است.

۱- از فن نگارش تا هنر نویسندگی، دکتر حسن احمدی گیوی - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.

□ «طرح نوشته»^۱

می‌دانیم که هر نوشته به طرح و نقشه‌ی قبلی نیاز دارد. مثل هر کار دیگری که نیازمند طرح قبلی است، همان طوری که خیاط برای برش پارچه‌ای، طرح آن را قبلاً یا در ذهن مجسم می‌کند و یا بر روی کاغذ طرح آن را می‌کشد و سپس به مرحله‌ی اجرا در می‌آورد و یا معمار، که برای ساختن یک ساختمان قبل از هر چیز، به نقشه، طرح اجرایی، مواد و مصالح و ابزارهای مناسب نیاز دارد و معمار با شناخت عواملی مثل مصالح در دسترس، مساحت ساختمان، موقعیت و اقلیم و ... می‌تواند طرح لازم و مناسب را تهیه کند.

نویسنده نیز باید مثل خیاط یا معمار و ... بداند که هدف از نوشته چیست و برای چه کسی می‌نویسد. در این صورت، می‌تواند طرحی مناسب ارائه دهد. نویسنده با استفاده از قالب و زبان مربوط، طرح خاصی را ارائه می‌دهد. از بیان و کتاب و ثمرات تحقیق و پژوهش خود استفاده می‌کند و به نوشتن می‌پردازد.

نویسنده مختار است که برای نوشته‌ی خود چه طرحی انتخاب کند؛ زیرا طرح لازمه‌ی نگارش هر نوشته است. طرح یک نویسنده در نوشته‌های کوتاه ممکن است ذهنی باشد اما در نوشته‌های بلند باید عینی و مکتوب باشد. در طرح نوشته باید به موارد کلی بیشتر توجه کنیم و یک قالب مناسب برای نوشته انتخاب نمائیم؛ مثلاً دانش‌آموزان یک کلاس از یک بازدید علمی می‌خواهند گزارشی بنویسند. برای این نوشته ابتدا قالب آن را مشخص می‌کنند که باید در قالب گزارش بنویسند؛ بعد طرح آن را در ذهن یا در کاغذ می‌آورند:

۱- مقدمه‌ای در انگیزه و هدف رفتن به بازدید.

۲- شرح چگونگی حرکت از مدرسه.

۳- شرح حوادث و اتفاقات جالب توجه در مسیر راه.

۴- شرح ورود به محل و چگونگی استقبال.

شرح بازدید از قسمت‌های مختلف پذیرایی، بازگشت، نتیجه.

● باید بدانیم که طرح نوشته چارچوب کلی موضوع مورد نظر ما را تعیین می‌کند؛ یعنی هدف ما را از نوشتن موضوع مورد نظر مشخص می‌کند. دوم به نوشته‌ی ما نظم و انسجام می‌بخشد؛ یعنی ما با مشخص کردن طرح نوشته‌مان هیچ موضوع جزئی یا کلی را فراموش نمی‌کنیم و نظم و انسجام نوشته را فراهم می‌آوریم. داشتن طرح در سرعت و دقت نگارش مؤثر است؛ به ما فرصت می‌دهد که به طور همه‌جانبه و علمی به موضوع بنگریم؛ یعنی هر چه طرح نگارشی مادقیق‌تر و حساب شده‌تر

۱- کتاب کارنگارش و انشا، دکتر حسن ذوالفقاری، اساطیر، تهران، ۷۵.

باشد، نوشتن آن آسان و شروع و ادامه و پایان نوشته عملی تر و راحت تر خواهد بود. و در عین حال هماهنگی و پیوند منطقی میان اجزای طرح، موجب انسجام بیشتر نوشته و تفهیم بهتر به خواننده خواهد شد.

□ «مواد لازم نوشته»

باید بدانیم که مواد لازم هر نوشته‌ای با نوشته‌ی دیگر فرق می‌کند و هر قالب نوشته، مواد لازم خاصی را می‌طلبد. اگر مواد لازم نوشته در دسترس ما نباشد، نمی‌توانیم طرح مورد نظرمان را عملی سازیم.

برای روشن شدن موضوع یک مثال می‌آوریم:

اگر موضوع نوشته‌ی ما در مورد بیوگرافی یکی از بزرگان باشد باید بعد از طرح نوشته، به جمع‌آوری مواد لازم آن بپردازیم. مواد طرح ما برای چنین نوشته‌ای باید در مورد:

محل ولادت، زمان ولادت، چگونگی تحصیلات وی در دوره‌های مختلف زندگی، ازدواج وی و شرح دوران میان سالی و پیری، شرح خصوصیات اخلاقی، آثار به جا مانده از او، سبک و اندیشه‌ی وی در آخر عمر، زمان فوت و آرامگاهش باشد. اگر ما این اطلاعات، رادر دست داشته باشیم می‌توانیم نوشته‌ای دقیق و حساب شده بنویسیم. ضمناً می‌توانیم با توجه به این اطلاعات، نوشته‌ی خود را گسترش بدهیم و بیشتر در مورد آن شخصیت بنویسیم و یا خلاصه نویسی کنیم. یا برای گزارش نویسی از یک بازدید، باید مواد لازم طرح را قبلاً در اختیار داشته باشیم؛ مثلاً برای شروع گزارش نویسی بعد از طرح نوشته، باید به مواد لازم توجه کنیم.

* در این جا از دانش‌آموزان می‌پرسیم که برای این بازدید باید چه نوع اطلاعاتی داشته باشیم؟ بعد از پاسخ‌گویی آن‌ها، جواب کامل را می‌گوییم؛ مثلاً برای بازدید باید محل مورد نظر را مشاهده کنیم، چیزهای کلی و مهم را یادداشت کنیم و در هنگام شرح بازدید به تشریح جزئیات این موارد کلی بپردازیم. بعداً اگر شرح یا توضیحی در مورد بازدید شنیده‌ایم آن را در گزارش خود بنویسیم. اگر لازم باشد از عکس و تصاویر مربوط به این بازدید استفاده کنیم. اگر دانش‌آموزان یا کسانی که می‌خواهند در مورد این بازدید گزارش بنویسند، این اطلاعات را در دست نداشته باشند، نمی‌توانند نوشته‌ی خود را کامل و جامع بنویسند؛ پس مواد لازم هر نوشته‌ای لازمی آن نوشته است.

خلاصه‌ی درس نهم

- نوشتن عبارت است از نمایش دادن کلام به وسیله‌ی حروف و ترکیبات گوناگون آن، که با استفاده از نشانه‌های نگارش، روح و روان خاصی پیدا می‌کند.
- روان‌شناسان می‌گویند: نوشته‌ی هر شخص بازتاب اندیشه‌ها و تمایلات درونی و برونی و پرتوی از شخصیت وی است.
- در نگارش هر نوع نوشته‌ای، اعم از مقاله، داستان، گزارش، کتاب و شرح سفر به طرح و نقشه‌ی قبلی نیاز است.
- هر طرح به مصالح و مواد خاصی احتیاج دارد، هم‌چنان که اجرای نقشه‌ی معمار به مواد و مصالح ساختمانی نیاز دارد.
- برای هر نوشته‌ای طرح خاصی لازم است.
- در نوشته‌های کوتاه، طرح ممکن است ذهنی باشد اما در نوشته‌های بلند، باید عینی و مکتوب باشد.
- هر طرحی بسته به اهمیت موضوع می‌تواند بسته و محدود یا گسترده باشد.
- یکی از لوازم تهیه‌ی طرح، فکرکردن درباره‌ی ابعاد موضوع است.
- طرح نوشته:
 - الف) چارچوب موضوع مورد نظر ما را تعیین می‌کند.
 - ب) به نوشته‌ی ما نظم و انسجام می‌بخشد.
 - پ) در سرعت و دقت نگارش مؤثر است.
 - ت) به ما فرصت می‌دهد که به طور همه‌جانبه و علمی به موضوع بنگریم.

خلاصه‌ی پیام‌وزیم

کلماتی مانند: املا، انشا، اجزاء و استثنا عربی هستند و در فارسی بدون همزه‌ی پایانی نوشته می‌شوند. هرگاه این نوع کلمات مضاف یا موصوف واقع شوند، از نوع کلمات مختوم به «ا» محسوب می‌شوند و در نتیجه «صامت میانجی «ی»» می‌گیرند مانند املا‌ی فارسی.

❖ پاسخ خودآزمایی‌های درس نهم

- ۱- فعالیت دانش‌آموزی.
- ۲- فعالیت و دانش‌آموزی.
- ۳- اعتلا و ارتقای مقام آن شخصیت علمی دور از انتظار بود.
- ۴- شکل کشیده‌ی «س» و «ش» مخصوص خط تحریری است و همه جا نمی‌توان آن را به کار برد.
- ۵- فعالیت و دانش‌آموزی.

❖ خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- برای یکی از موضوعات زیر طرح بنویسید :
 - وصف ساختمان مدرسه
 - شرح بازدید از یک کارخانه یا کتابخانه
 - خاطره‌ی یک روز کوه‌پیمایی
 - علل علاقه‌ی نوجوانان به ورزش
- ۲- با مراجعه به کتاب «امثال و احکام دهخدا» پنج ضرب‌المثل درباره‌ی «طمع» یا «کینه» پیدا کنید و آن‌ها را در یک نوشته‌ی کوتاه به طور مناسب به کار ببرید.
- ۳- درباره‌ی هر یک از کلمات زیر، ده کلمه‌ی مناسب و مرتبط بنویسید :
قرآن، اسلام، ادبیات، جنگل، دریا
- ۴- هر نوع نوشته‌ای خاصی را می‌طلبد.
- ۵- در نوشته‌های بلند طرح نوشته باید عینی و باشد.
- ۶- هر طرح نوشته‌ای خاص نیاز دارد.
- ۷- پس از گردآوری اطلاعات و مواد لازم طرح تهیه می‌شود.
- ۸- پس از ویرایش نوشته، باید مناسبی را برای آن انتخاب کنیم.
- ۹- طرح نوشته به نوشته‌های ما می‌بخشد.

ویژگی‌های فعل معلوم و مجهول

اهداف کلی

- ۱- آشنایی بیشتر با گروه فعلی و ویژگی‌های آن.
- ۲- شناخت فعل از نظر معلوم و مجهول.

اهداف جزئی

- ۱- توانایی تشخیص فعل معلوم و مجهول در جمله‌ها.
- ۲- توانایی مجهول کردن جمله‌های معلوم.
- ۳- توانایی با روش منفی کردن و پرسشی کردن جملات.
- ۴- توانایی تشخیص قواعد دستوری در جمله‌های گوناگون.

منابع

– دستور زبان فارسی (۱) – دکتر وحیدیان – غلامرضا عمرانی – تهران – نشر سمت – چاپ

اوّل ۱۳۷۹

– دستور زبان فارسی، دکتر عبدالرسول خیّام پور، کتاب‌فروشی تهران، ۱۳۷۲

– توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی – محمد رضا باطنی، تهران، امیر کبیر – چاپ

چهارم ۱۳۷۰

روش‌های تدریس پیشنهادی

– الگوی پیش‌سازمان دهنده

– الگوی دریافت مفهوم

– الگوی همیاری

نکات اساسی درس دهم

- بررسی خلاصه‌ی درس‌های گذشته.
- شرح چهارمین ویژگی فعل (معلوم و مجهول).
- توضیح چگونگی پرسشی کردن فعل‌ها.

□ در درس‌های گذشته دانستیم که فعل یا گذرا است یا ناگذر و خواندیم که فعل‌های گذرا، سه نوع اند: گذرا به مفعول، گذرا به مسند، گذرا به متمم. برای این که به چهارمین ویژگی فعل؛ یعنی معلوم و مجهول بپردازیم، قبلاً به بررسی فعل گذرا به مفعول پرداخته سپس به شناخت معلوم و مجهول و روش مجهول‌سازی توجه می‌کنیم.

در جمله «نامه‌رسان نامه را آورد.» فعل جمله به «نامه‌رسان» یعنی نهاد جمله نسبت داده شده است. کلمه‌ی «نامه» در این جمله مفعول واقع شده و نشانه‌ی آن «را» می‌باشد. حذف مفعول در این جمله ناممکن است زیرا مفعول در این گونه جمله‌ها یکی از اجزای اصلی است. می‌توان در چنین جمله‌هایی نهاد را نگفت و فعل را به صورت زیر به مفعول یعنی به «نامه» نسبت داد.

کتاب خریده شد. در این جمله، «خریده شد» به مفعول نسبت داده شده یا به عبارت دیگر، نهاد جمله مفعول واقع شده، نه فاعل. فعل «خریده شد» را که به مفعول نسبت داده شده، فعل مجهول می‌گویند؛ چون فقط فعل گذرا به مفعول می‌تواند مفعول داشته باشد؛ پس فعل مجهول همیشه از فعل‌های گذرا به مفعول ساخته می‌شود. فعل ناگذرا را نمی‌توان در جمله به صورت مجهول به کار برد. «رفته شد.» جمله‌ی مجهول نیست. چون از فعل رفت که ناگذر است ساخته شده است؛ فعل معلوم فعلی است که به نهاد (فاعل) نسبت داده می‌شود و فعل مجهول فعلی است که به مفعول نسبت داده می‌شود.

هم چنین نهاد جمله‌ای که در آن فعل مجهول باشد مفعول است.

○ حال، پنجمین ویژگی فعل (معلوم و مجهول) را بیشتر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۵- معلوم و مجهول^۱

پنجمین ویژگی فعل، معلوم و مجهول است.^۲

۱- دستور زبان فارسی (۱) - دکتر وحیدیان - عمرانی - تهران - نشر سمت ۷۹.

۲- چهار ویژگی دیگر فعل در درس هشتم توضیح داده شد.

۱- سیامک ماشینش را فروخته است.

۲- ماشین سیامک فروخته شده است.

خبر در هر دو جمله ی بالا «فروش ماشین سیامک» است. اما نحوه ی بیان خبر در دو جمله ی بالا متفاوت است :

اولی معلوم است و دومی مجهول.

فعل معلوم را به نهاد نسبت می دهند: ویکتور هوگو «بینوایان» را نوشت.

فعل مجهول را به مفعول جمله ی معلوم — که اکنون نهاد شده — نسبت می دهند: «بینوایان»

نوشته شد.

جمله چگونه مجهول می شود؟ به جمله ی «هیأت داوران دانشجویان ممتاز را برگزید»، توجه

کنید :

مراحل مجهول ساختن جمله ی معلوم	نهاد	مفعول	فعل
۱- نهاد را حذف می کنیم.		دانشجویان ممتاز را	برگزید Ø
۲- مفعول جمله را نهاد قرار می دهیم. نشانه ی مفعولی را حذف می کنیم.	دانشجویان ممتاز	-	برگزید Ø
۳- فعل جمله را به صفت مفعولی تبدیل می کنیم.	دانشجویان ممتاز	-	برگزیده
۴- از «شدن» فعلی متناسب با زمان اصلی به صفت مفعولی می افزاییم.	دانشجویان ممتاز	-	برگزیده شد
۵- شناسه را با نهاد جدید مطابقت می دهیم.	دانشجویان ممتاز	-	برگزیده شدند

هم چنان که دیدیم، همیشه پس از مجهول ساختن فعل، شناسه ی آن با نهاد جدید مطابقت داده

می شود :

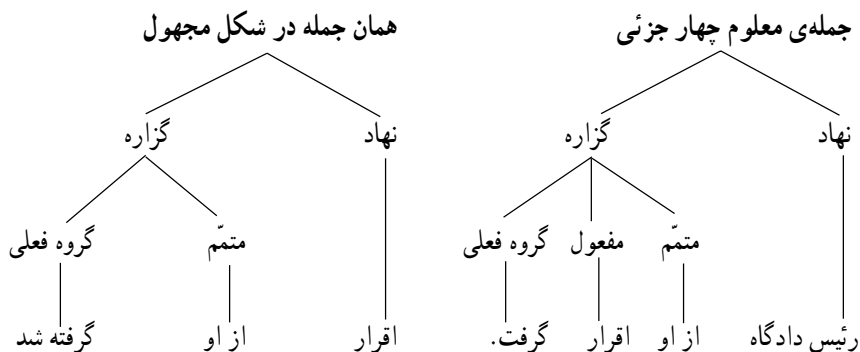
شناسه‌ی مفرد		نهاد مفرد
د	کتاب‌ها را به دانشگاه می‌بَر	سهراب
شناسه‌ی جمع		نهاد جمع
ند	به دانشگاه برده می‌شو	کتاب‌ها

❖ مجهول ساختن فعل‌ها تنها با دو شماره‌ی الف و ب صورت می‌گیرد. از مصدر (خریدن) :
 تو کتاب را خریدی ← کتاب خریده شد.
 مجهول «خریدن» در زمان‌های مختلف :

زمان	فعل مجهول	فعل معلوم
ماضی ساده	خریده شد	خرید
ماضی استمراری	خریده می‌شد	می‌خرید
ماضی بعید	خریده شده بود	خریده بود
ماضی مستمر	داشت خریده می‌شد	داشت می‌خرید
ماضی مستمر	خریده شده است	خریده است
ماضی نقلی	خریده شده است	خریده است
استمراری نقلی	خریده می‌شده	می‌خریده
بعید نقلی	خریده شده بوده	خریده بوده
مستمر نقلی	داشته خریده می‌شده	داشته می‌خریده
مضارع اخباری	خریده می‌شود	می‌خرم
مضارع التزامی	خریده شود	بخرد
آینده	خریده خواهد شد	خواهد خرید

فعل امر هم به ندرت مجهول می‌شود : بروید و در راه دفاع از حق کشته شوید.

در زبان فارسی تمایل بر این است که اگر نهاد مشخص باشد، تا وقتی می‌توان از ساختمان معلوم استفاده کرد، از مجهول استفاده نشود: این منظومه توسط نیما یوشیج سروده شده است. ← این منظومه را نیما یوشیج سروده است. اگر فعل به صورت مجهول به کار برود، نهاد آن حذف می‌شود؛ یعنی یک جزء آن کاسته می‌شود در حالی که فعل در اصل جزء نهاد را نیز دارد:



بنابراین با توجه به مثال بالا، فعل، «گرفتن» است نه «گرفته شدن». هم‌چنان که مثلاً در فعل ماضی بعید «رفته بودند» فعل اصلی «رفتن» است و ساده به حساب می‌آید نه مرکب. کاربرد فعل مجهول در فارسی زیاد نیست و تنها در موارد زیر ممکن است:

- ۱- در مواردی که گوینده، نهاد را نمی‌شناسد یا نمی‌خواهد نامش را افشا کند.
- ۲- در مواردی که گوینده یا نویسنده فکر می‌کند خواننده نهاد را می‌شناسد.
- ۳- در مواردی که گوینده یا نویسنده اطلاعات را بدیهی و بسیار روشن فرض می‌کند: زمین و آسمان آفریده شد.

● منفی کردن فعل‌ها

هر فعلی ممکن است به صورت منفی نیز به کار رود. نشانه‌ی فعل منفی تکواژ منفی ساز «ن» است که پیش از بن فعل درمی‌آید ← رفت - نیامد - نفرستاد.

در فعل‌هایی که بیش از یک جزء دارند، جزء اول بیش از حرف نفی قرار می‌گیرد: برنیاید. فرو رفت.

در فعل‌هایی که با جزء پیشین «می» به کار می‌رود، حرف نفی پیش از «می» در می‌آید نه پیش از ماده‌ی فعل: «نمی‌رفتم. نمی‌گویم. صورت منفی فعل امر، «نهی» خوانده می‌شود. نهی یعنی کسی را از کاری بازداشتن. نشانه‌ی نهی در گذشته، به جای «ن» تکواژ «م» بوده است: مکن - مرو - مخوان اما در فارسی امروز برای فعل نهی نیز همان تکواژ «ن» به کار می‌رود. نکن - نرو - نخوان

□ پرسشی کردن جمله

این عمل به دو طریق صورت می‌گیرد :

۱- پرسشی کردن با واژه‌های پرسشی : آیا حسن را دیدی؟

در تتر امروز معمولاً، یک کلمه‌ی پرسشی در جمله می‌آید نه بیشتر. آهنگ این نوع جمله‌ها خیزان است و جواب ...

جواب این نوع پرسش‌ها اغلب، آری یا نه است. مانند : حسن را دیدی؟ آری.

جز جمله‌ی امری، هر جمله‌ای را می‌توان با کلمات پرسشی مانند آیا - چرا، چگونه، به صورت پرسشی در آورد.

۲- پرسشی کردن با آهنگ : نرفتی؟ - باز هم درس می‌خوانی؟

خلاصه‌ی درس دهم

● فعل یا گذراست یا ناگذر - فعل‌های گذرا سه نوع دارند گذرا به مفعول، گذرا به مسند، گذرا به متمم.

● چهارمین ویژگی فعل، معلوم یا مجهول بودن آن است.

● فعل مجهول همیشه از فعل‌های گذرا به مفعول ساخته می‌شود.

● از فعل‌های ناگذر نمی‌توان جمله‌ی مجهول ساخت.

● فعل معلوم، فعلی است که به نهاد(فاعل) نسبت داده شود.

● فعل مجهول فعلی است که به مفعول نسبت دارد.

● نهاد جمله‌ای که در آن فعل مجهول باشد مفعول است.

● در فارسی امروز، همه‌ی فعل‌های گذرا به مفعول را می‌توان با آوردن تکواژ منفی ساز «ن» منفی کرد.

● تکواژ منفی ساز «ن» در فعل‌های مرگب، پیش از جزء صرفی می‌آید.

● در فارسی امروز برای فعل نهی نیز همان تکواژ «ن» به کار می‌رود. نکن -

نرو.

● پرسشی کردن جمله‌ها در فارسی امروز به دو طریق ؛ استفاده از واژه‌های

پرسشی یا آهنگ صورت می‌گیرد.

* پاسخ خودآزمایی‌های درس دهم

۱- نامه خوانده می‌شود - نامه فرستاده می‌شود - نامه برده می‌شود - نامه دیده می‌شود - نامه آورده می‌شود.

۲- علی نامه را می‌نویسد ← نامه نوشته می‌شود / علی نامه را بنویسد ← نامه نوشته شود.

علی نامه را دارد می‌نویسد ← نامه دارد نوشته می‌شود. / علی نامه را خواهد نوشت ← نامه نوشته خواهد شد. علی نامه را نوشته است ← نامه نوشته شده است.

علی نامه را نوشته بود ← نامه نوشته شده بود. / علی نامه را نوشته باشد ← نامه نوشته شده باشد.

علی نامه را داشت می‌نوشت ← نامه داشت نوشته می‌شد. / علی نامه را می‌نوشت ← نامه نوشته می‌شد.

۳- فردا نامه نوشته خواهد شد.

یک ساعت بعد، نامه نوشته خواهد شد. / همین حالا نامه نوشته می‌شود. /

تا چهار پنج روز دیگر نامه نوشته خواهد شد. /

هفته‌ی آینده نامه نوشته خواهد شد / قبلاً نامه نوشته شد.

تا چند دقیقه‌ی دیگر نامه نوشته خواهد شد. / بعداً نامه نوشته خواهد شد. / دیروز نامه نوشته شد.

● شاه مردم بی‌گناه را گروه گروه به گلوله می‌بست.

● امام خمینی حکومت ستم شاهی را برانداخت.

● آیا ایرانیان باز هم شاهکارهایی همچون شاهنامه‌ی فردوسی خواهند سرود؟

● جوانان ایران در سایه‌ی تلاش و از خود گذشتگی و عشق به هم نوع، پرچم علم و فضایل

اخلاقی را در سراسر دنیا افراشته خواهند کرد.

● غلامحسین یوسفی کتاب چشمه‌ی روشن را در نقد و تحلیل نمونه‌هایی از شعر فارسی

نوشت.

● اعتیاد بسیاری از استعدادها را کشته است.

❁ خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- فعل امر تنها از صیغه‌ی فعل اصلی ساخته می‌شود.
- ۲- فعل معلوم آن است که به نسبت داده شود.
- ۳- نهاد جمله‌ی مجهول همان جمله‌ی معلوم است.
- ۴- فعل مجهول تنها از فعل ساخته می‌شود.
- ۵- «علی نامه را نوشت» یک جمله‌ی است.
- ۶- در جمله‌ی مجهول مطابقت شناسه با نهاد است.
- ۷- برای ساختن فعل مجهول باید آن را به تبدیل کنیم.
- ۸- وجه جمله‌های زیر را مشخص کنید:
 - انبیای الهی در برابر ظالمان قیام کردند.
 - کاش می‌توانستم بدوم.
 - آغاز نوشته می‌تواند زمینه ساز سیر آتی نوشته باشد.
 - در هر نوشته، چگونه آغاز کردن بسیار مهم است.
 - برو سماور را آتش کن.
 - حالا قوم و خویش می‌آیند.
- ۹- فعل‌های زیر را منفی کنید: گفتم - خواهیم رفت - دیده شد - بخوان - بنویسید - دارد
راه می‌رود - داشت می‌خرید - فرو رفته بود - دوست داشت - سر در آورد.
- ۱۰- جمله‌ها را به چند طریق می‌توان پرسشی کرد؟
- ۱۱- کدام یک از کلمات پرسشی می‌توانند گروه اسمی نیز باشند؟
- ۱۲- وجه فعل‌های زیر را مشخص کنید.
 - برادران یوسف او را به چاه انداختند.
 - شرح حال یک جانباز را بنویسید.
 - مصاحبه ممکن است به صورت تلفنی انجام گیرد.
 - کتابخانه یکی از ابزارهای مهم مرجع‌شناسی است.
- ۱۳- با افزودن نهاد مناسب، جمله‌های مجهول زیر را معلوم کنید:
 - تا صد سال پیش، شاهنامه تنها تاریخ پیش از اسلام ایرانیان شناخته می‌شد.
 - گاهی شاعران در ردیف اولیا قرار داده شده‌اند و گاهی دروغ‌گوترین دروغ‌گویان

خوانده شده‌اند.

● مردم در برابر تیرهای حادثه‌ای که از هر طرف به جانب آن‌ها افکنده می‌شد، خود را زیر سپر شعر کشیده‌اند.

● چون موسیقی و نقاشی از نظر دین ناروا شناخته شده بود، این نیاز، سراپا در شعر برآورده شد.

● پایه‌ی شعر درباری در زمان محمود گذارده شده است.

● مذهب و ادبیات در کنار هم زاییده می‌شوند.

● در تورات، شاعر، دهان بهوه خوانده شده است.

۱۴- جمله‌های معلوم زیر را مجهول کنید :

● علی کتاب خود را از دوستش گرفت .

● من سخنان معلم را به دوستانم رساندم.

● زبان‌های غربی توانستند مفاهیم تازه را به آسانی به کشورهای بی‌سواد که از لحاظ زبان از آن‌ها ضعیف‌تر بودند انتقال دهند.

● بعضی از پادشاهان، شعرا را تا حد رئیس دستگاه تبلیغات یک حکومت جبار پایین می‌آورند.

● در دنیای باستان، شاعران را یا از زمره‌ی فروش‌ها و صاحبان وحی می‌شمردند یا از نوع

جادوگرها.

● اوّل کسی که در شعر، خود راستود، ابلیس بود.

● با این سخن، بهرام گور را از شعر گفتن و جانبداری از شاعران باز می‌دارند.

● افلاطون نیز شاعران را در کنار پیامبران و غیب‌گویان می‌نهد.

● افلاطون در این مورد، حقیقت را با واقعیت یکسان گرفته است.

● تمدن صنعتی حصول خوش‌بختی را وابسته به ابزار و وسایل می‌داند.

● تمدن، عالم اشیا را عالمی بهشت آسا جلوه می‌دهد.